تولد یک جشنواره در دوران کرونا

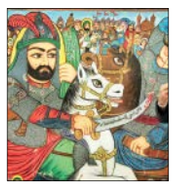

می‌توانست عجیب باشد که در این روزهای کرونایی جشنواره یا برنامه‌ای برگزار شود، هر چند دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی از حیرت و تعجبمان می‌کاهد اما نه تا حدی که بشنویم یک جشنواره در این ایام متولد شده است. کورش زارعی، مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری به مهر گفته است، از سه سال پیش در این مرکز دفتر تعزیه و آیین‌های نمایشی با مسؤولیت مرشد محسن میرزاعلی راه اندازی شد و دو جشنواره مرتبط هم در این دفتر برگزار شده بود، اما قرار شده در همین روزهای کرونایی، جشنواره نقالی شاهنامه و شاهنامه خوانی برگزار شود.

گویا برای برگزاری آن در روز بزرگداشت فردوسی و در شهر مشهد مذاکراتی انجام شده بود، اما شیوع ویروس کرونا، فرصتی فراهم کرد که جشنواره «نقالی شاهنامه و شاهنامه خوانی» با عنوان «نقشا» با بودجه کمتر و در فضای مجازی برگزار شود.

ادامه حیات هنر در جهان صفر و یک

مروری بر رویدادهای هنر و ادبیات در هفته‌ای که گذشت

بگیر بنشون اول هفته؛ رونق سینمای آنلاین

رد خون در فضای مجازی

نه قتلی رخ داده و نه خونی از دماغ کسی جاری شده، برعکس همان‌طور که ذکرش رفت، کرونا اگر نان خیلی‌ها را آجر کرده برای عده‌ای هم فایده داشته مثلا نصب و به‌روزرسانی بازی‌های رایانه‌ای رشد قابل توجهی داشته و بازار بازی‌سازان را رونق داده و یک بازی کرونایی هم ساخته شد.

در روزهای قرنطینه نمایش آنلاین فیلم‌ها هم مورد توجه قرار گرفته. بعد از فیلم «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا که با وجود انتشار کپی غیرقانونی، در فروش آنلاین آن اعلام رضایت شده، حالا «ماجرای نیمروز؛ رد خون» به کارگردانی محمدحسین مهدویان هم به صورت آنلاین در معرض تماشا قرار گرفته است. البته این فیلم قبلا در سینماها اکران شده اما اگر فیلم را ندیده‌اید حتما آن را به صورت آنلاین و البته قانونی تماشا کنید.

بگیر بنشون دوم هفته؛ رونق سینمای آنلاین

رد پول در فضای مجازی

الحق که ویروس کرونا، بیماری عصر دیجیتال است و مناسب همین روزگار؛ قبول ندارید؟ ببینید چطور به کسب و کارهای آنلاین و فعالیت‌های مجازی رونق داده؟

ماجرا از این قرار است که نتفلیکس به عنوان غول نمایش‌های آنلاین در جهان، در روزهای قرنطینه با استقبال بی‌نظیری مواجه شده است. این کمپانی اعلام کرده که ۱۶ میلیون نفر در سه ماه نخست سال ۲۰۲۰ به جمع مشترکانش اضافه شده‌اند. افزایش کاربران فضای مجازی را اصلا ساده نبینید چون در تمام ۱۳ سال گذشته بی‌سابقه بوده و باعث شده قیمت سهام این شرکت افزایش چشمگیری پیدا کند. نتفلیکس حالا با بیش از ۱۸۳ میلیون مشترک در سراسر جهان در سه ماه نخست سال نزدیک به ۸۰۰ میلیون دلار سودآوری داشته؛ باز هم بگویید کرونا هیچ خوبی‌ای ندارد!

چهره دوم هفته؛ نوید محمدزاده

اینجا، آنجا، همه‌جا

اگر بگوییم نوید محمدزاده یکی از پرکارترین بازیگرهای سال‌های اخیر بوده، کسی نمی‌تواند با آن مخالفت کند. فقط یک نگاه گذرا به کارنامه‌اش در همین سالی که گذشت کافی است که هر مخالفتی با این گزاره مردود اعلام شود. چرا؟ سال ۱۳۹۸ نوید محمدزاده در سینما بازیگری کرد و نیز در تئاتر، اما داستان او به همین جا ختم نشد. محمدزاده سال گذشته در تئاتر علاوه بر بازیگری، داوری کرد و آثار جشنواره تئاتر دانشجویی را به قضاوت نشست، اما همین بس نبود چون وارد عرصه تهیه‌کنندگی تئاتر هم شد.

حالا بعد از این همه فعالیت گمان نکنید روزهای قرنطینه را مشغول استراحت بوده و مثل ناصر خاکزاد فیلم متری شش و نیم در استخر پنت هاوسش چرت می‌زده، نخیر... او داشته کتاب می‌خوانده آن هم نه آن طور که ما خواندیم و می‌خوانیم. او کتاب «هیچ دوستی به جز کوهستان ندارم» را خوانده که در قالب کتاب صوتی منتشر شده و در دسترس قرار گرفته است. این کتاب را بهروز بوچانی در زندان مانوس نوشته و به‌خاطر نوشتن آن، جایزه ادبی ویکتوریای استرالیا را برده است.

چهره اول هفته؛ جین دایچ

آشنا اما تنهای تنها

می‌شود که یک نفر را در تمام عمر ندید و اصلا اسمی از او نشنید، اما به او فکر کرد و حتی دوستش داشت؛ جین دایچ یکی از همین آدم‌هاست. او کارگردان ۱۳ قسمت از کارتون جذاب تام و جری است که برای ۸۰ سال کودکان و حتی بزرگ‌ترهای سراسر جهان را با هر زبان و ملیتی پای تلویزیون نشانده و برایشان لحظات هیجان‌انگیز، جذاب و البته خاطرات مشترک خلق کرده است.

دایچ، اهل شیکاگو بود اما سال ۱۹۵۹ برای سفری ده روزه به پراگ رفت. آنجا با همسرش آشنا شد و در پراگ ماند تا روز اول اردیبهشت که در ۹۵ سالگی در آپارتمانش در همین شهر و در تنهایی از این جهان رخت بربست. شاید جالب باشد بدانید او تام و جری را در استودیویی در پراگ کارگردانی کرد و حتی نام بسیاری از همکاران او که اهل چک بودند در تیتراژ این کارتون قید نشد یا به اسم‌های آمریکایی تغییر پیدا کرد که مبادا شائبه ارتباط با کمونیسم پیش بیاید.

هفته اول اردیبهشت

این ویروس نازنین!

حق دارید اگر لنگه کفش‌هایی با شتاب موشک به سمت این نوشته روانه کنید، بعد از آن همه جان‌ها که کرونا از ما گرفت و مصیبتی که برای تمام جهان به بار آورد اما کرونا هم برای خودش مزایایی داشته، حتی شما بگو در حد یک اپسیلون! مگر نبود کنسرت‌ها و برنامه‌های رایگان بزرگ‌ترین هنرمندان ایران و جهان که زنده تماشا کردیم؟ رونق گرفتن بازار بازی‌های رایانه‌ای و همین‌طور کشف امکان فعالیت‌های متنوع در فضای مجازی و رونق اکران آنلاین که از نتفلیکس تا فیلیمو از آن سود برده‌اند، آموزش‌های آنلاین و بقیه اتفاقات فرهنگی هنری دیگر همه اینها حاصل کرونا بود. تازه دوستی‌ها و همدلی‌ها و مهربانی‌های مردم در سراسر جهان را فاکتور می‌گیریم و می‌گذاریم پای خوشبینی اما قبول کنید که می‌شود کمی یا لااقل همین یک بار کرونا را ویروس نازنین خطاب کنیم، شاید که او هم با ما مهربان‌تر شد.

شنبه، ۳۰ فروردین

موسیقی

حق افشین یدالهی نبود

حتما خبردار شدید که یکی از ترانه‌سراهای آن سوی آب، در لایو اینستاگرامش به مرحوم افشین یدالهی توهین و او را در موسیقی بعد از انقلاب، یک شوخی توصیف کرد. این اظهارات سر و صدای زیادی در این هفته به پا کرد و با اعتراض خیلی‌ها مواجه شد؛ کسانی از این سو و آن سوی آب‌ها.

دوشنبه، ۱ اردیبهشت

ادبیات

کتابخوانی نوید محمدزاده

نوید محمدزاده این بار در کسوتی دیگر ظاهر شده. او حالا یک کتاب صوتی منتشر کرده و این اتفاق به این دلیل جالب توجه است که این بازیگر سال پرکاری را به اتمام رسانده بود و به نظر نمی‌رسید همین ابتدای سال جدید و روزهای قرنطینه هم مشغول به کار بوده باشد.

شنبه، ۳۰ فروردین

ادبیات

نماینده غیررسمی

خبر عجیبی منتشر شد، کتاب شکوفه آذر به عنوان یک کتاب زیرزمینی، در جایزه بوکر ۲۰۲۰ شرکت کرده و به نمایندگی از ایران در این رقابت حضور داشته و برنده هم شده است، در حالی که این کتاب اصلا مجوز ندارد. نکته دیگر این که این کتاب به‌راحتی در ایران خرید و فروش می‌شود!

دوشنبه ۱ اردیبهشت

سینما

خداحافظ مرد تنها

درگذشت یک کارگردان، آه از نهاد خیلی‌ها بلند کرد؛ کارگردانی که بسیاری از ما نامش را نمی‌دانستیم و شاید خیلی نمی‌شناختیم اما اثرش را حتی مادربزرگ‌هایمان به خاطر دارند و از آن به نیکی یاد می‌کنند. بله این هفته جین دایچ، کارگردان تام و جری در شرایطی غمبار از میان ما رفت.

چهارشنبه ۳ اردیبهشت

سینما

حاشیه‌ساز

یک ویدئوی کوتاه از سحر قریشی در فضای مجازی دست به دست شده و صدای خیلی‌ها را درآورده است. رفتار این بازیگر جوان با یک رفتگر باعث شده، سیل انتقاد کاربران فضای مجازی به سمت او جاری شود و حتی یکی از اعضای شورای شهر تهران گفته اگر قریشی عذرخواهی نکند حتما از او شکایت خواهند کرد.

هنرنمایی هفته؛ خوانندگی سیدجواد هاشمی

آوازخوانی در قرنطینه

از وجه معلمی هاشمی که بگذریم و روحیه مصلحانه و مومنانه‌اش را هم ندیده بگیریم، باز هم چیزهایی برای توجه هست. اشتباه نکنید درباره اظهارات عجیب گاه و بیگاهش حرف نمی‌زنیم، مقصودمان صدای خوب اوست و همین‌طور تسلط به زبان گیلکی. اگرچه در ویکی‌پدیا و چند سایت دیگر نوشته شده سیدجواد هاشمی متولد تهران است اما شنیده‌های ما از گیلانی بودن او خبر می‌دهد. هاشمی در شب سوم مجموعه شام ایرانی، می‌زند زیر آواز و قطعه «میرزا کوچک‌خان» را که در دهه ۶۰ به عنوان تیتراژ سریال «کوچک جنگلی» به کارگردانی بهروز افخمی از تلویزیون پخش می‌شد، می‌خواند و استعداد دیگری از خودش برو ز می‌دهد. آوازخوانی بازیگران البته چیز عجیبی نیست به‌خصوص در این روزهای قرنطینه؛ همین روزها پرویز پرستویی با سالار عقیلی، فاضل جمشیدی و علیرضا بهرامی همراه شده و برای همدلی و همراهی با مردم قطعه‌ای به نام همدم را منتشر کرده‌اند.

شوک هفته، سحر قریشی

برو و در خانه بمان

در حالی که هنرمندان اصیل و کاردرست در خانه نشسته‌اند و مردم را به ماندن در خانه تشویق می‌کنند، در حالی که شیوع بیماری کرونا، فاصله‌گذاری اجتماعی را ضروری کرده و در حالی که چهره‌های معروف عرصه سینما و ورزش و هنر تلاش می‌کنند در ذهن مردم بدرخشند، سحر قریشی در معیت تعدادی از دوستانش از خانه درآمده‌اند و شانه به شانه هم در حال عبور از یکی از پارک‌ها بوده‌اند که خانم بازیگر متوجه شده کلاهش با کلاه پاکبان نشسته روی نیمکت هم‌رنگ است. در حالی که یکی از دوستان سحر قریشی در حال فیلمبرداری است او سراغ رفتگر می‌رود و می‌گوید که کلاهش را با لباس او ست کرده و وقتی رفتگر در مقابل این رفتار سرخوشانه و بی‌قید به گفتن «برو» قناعت می‌کند، سحر قریشی به دوستانش می‌گوید: فقط مونده بود این به من بگه برو...

علاوه بر کاربران فضای مجازی، هنرمندان هم صدایشان درآمده و مثلا پرویز پرستویی در اینستاگرامش خطاب به سحر قریشی نوشت: واقعا متاسفم!

او پیشنهاد کرد سحر قریشی یک روز به جای این پاکبان کار کند.

در «چی بود، چی شد»، آرشیو دهه‌های گذشته جام جم را شخم می‌زنیم و مصاحبه‌ای را انتخاب می‌کنیم که بشود دیروز و امروز بعضی‌ها را مقایسه کرد.

چی بود چی شد هفته؛ ابراهیم حاتمی‌کیا

ماموریت‌های ناتمام فرمانده

خبر منتشرشده درباره ابراهیم حاتمی‌کیا در تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۸۰

هفته پیش هم درباره این کارگردان نوشتیم، اما اگر بدانید ماجرا از چه قرار است به ما حق می‌دهید که این هفته هم درباره‌اش بنویسم. همین روزهای اول بهار بود که به بهانه ورود فیلم «مارمولک» به شبکه نمایش خانگی، یادآوری شد که ابراهیم حاتمی‌کیا قرار بود این فیلم را کارگردانی کند اما استعفا داد.

بر اساس آنچه در آرشیو روزنامه یافته‌ایم، ۱۹ سال پیش در چنین روزهایی باز هم حاتمی‌کیا از ساختن یکی از فیلم‌هایش باز ماند اما این بار، گویا بیژن بیرنگ و مرحوم مهران رسام فیلمنامه‌ای از حاتمی‌کیا را بدون رضایت او ساختند و با نام «سیندرلا» به اکران رساندند. ماجرای این فیلمنامه و کش و قوس‌های بین حاتمی‌کیا و دو کارگردان فیلم، داستان درازی دارد و جز این‌که فیلم با بازی رامبد جوان و مرحوم پوپک گلدره اکران شد، اطلاعات مستندتری در دست نیست. از آنجا که قصدمان باد دادن به خاکسترهای به‌جامانده از یک آتش کهنه نیست و احتمالا برای طرفین هم جذابیتی ندارد بعد از این همه سال درباره این پروژه حرف بزنند، سرانجام ماجرا را پیگیر نشدیم اما نقل این ماجرا از این بابت جذاب است که هفته اول اردیبهشت برخلاف این روزها برای حاتمی‌کیا خیلی خوشایند نبوده.

حالا جالب‌تر این‌که بدانید سه سال بعد از ماجرای فیلم «سیندرلا»، در همین هفته اول اردیبهشت، ابراهیم حاتمی‌کیا از ساختن فیلمنامه دیگری به نام «نت‌فالش» استعفا داد. گویا در روزگارانی نه‌چندان دور، هفته اول اردیبهشت‌ماه با ابراهیم حاتمی‌کیا سر سازش نداشته اما شکر خدا، اکران فیلم «خروج» از پایان این نحسی خبر می‌دهد.